



فلسفہ اسلامی

از الفتاوی

پیتر اس. گراف / با همکاری الیور لیمن

ترجمہ: سعید شفیعی



فلسفہ اسلامی از الفتاوی

پیتر اس. گراف
با همکاری الیور لیمن

ترجمہ: سعید شفیعی



انشارات مولیٰ

سرشناسه: گراف، پیتر اس

Groff, Peter S

عنوان و نام پدیدآور: فلسفه اسلامی از الف تا ی - Islamic Philosophy A-Z، پیتر اس، گراف، با همکاری الیور لیمن

مترجم سعید شفیعی

مشخصات نشر: تهران، موی، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری: ۱۹۲ ص، ۱۴۵ × ۲۱۵ س.م

شابک: 978-600-339-089-8

وضعیت فهرست نویسی: لیا

یادداشت: عنوان اصلی: Islamic Philosophy A-Z

موضوع: فلسفه اسلامی - دایره‌المعارفها

Islamic philosophy -- Encyclopedias

موضوع: فلسفه اسلامی - تاریخ

Islamic philosophy -- History

موضوع: فلسفه اسلامی - اصطلاح‌ها و تعبیرها

Islamic philosophy -- Terminology

شناسه افزوده: لین، لوئیس، ۱۹۵۰ - م

Leaman, Oliver

شناسه افزوده: شفیعی، سعید، ۱۳۶۰ - (استادیار) مترجم

رده بندی کنگره: ۱۲۹۷ مد ۳/۳ BBR

رده بندی دیویی: ۱۸۱۱-۲

شماره کتابشناسی ملی: ۵۴۷۹۳۳

Islamic Philosophy A-Z, Peter S. Groff With Oliver Leaman,
Edinburgh University Press, 2007.



انتشارات مولی

تهران: خیابان انقلاب - چهارراه ابوریحان - شماره ۱۱۵۸، تلفن: ۰۲۲۳۰۹۲۴۳ - ۶۶۴۰۰۰۷۹ - نمابر: ۶۶۴۰۰۰۷۹

وب سایت: www.molapub.com • اینستاگرام: molapub • تلگرام: molapub • ایمیل: molapub@yahoo.com

فلسفه اسلامی از الف تا ی

پیتر اس، گراف • با همکاری: الیور لیمن • مترجم: سعید شفیعی، استادیار دانشگاه تهران

چاپ اول: ۱۳۹۸ = ۱۴۴۰ • ۲۰۲ نسخه • $\frac{۳۰۷/۱}{۹۷}$

شابک: 978-600-339-089-8 ۹۷۸-۶۰۰-۳۳۹-۰۸۹-۸ ISBN:

حروفچینی: درجه کتاب • چاپ: دیدآور • صحافی: نوری

کلیه حقوق مربوط به این اثر محفوظ و متعلق به انتشارات مولی است



۵۰۰۰۰۰ ریال

فهرست مطالب

۹	یادداشت مترجم
۱۱	مقدمه سرویراستار
۱۲	پیشگفتار
۱۴	سیاسگزاری

فهرست مداخل

(۱۷۵ - ۱۵)

۴۵	اخوان الصفا	۱۵	ابن باجه
۴۶	ادب	۱۶	ابن تیمیه
۴۷	ارسطو	۱۸	ابن جَبیرول
۴۸	آزاداندیشی (زندگه)	۲۰	ابن حزم
۴۹	استدلال انسان معلق	۲۱	ابن خلدون
۵۰	اسلام	۲۳	ابن راوندی
۵۱	اسلام‌گرایی	۲۴	ابن رشد
۵۲	اسماعیلیان	۲۸	ابن سبعین
۵۴	اِشراق‌گرایی	۲۹	ابن سینا
۵۶	اشعریان	۳۳	ابن طفیل
۵۷	افضل الدین کاشانی	۳۵	ابن عدی
۵۸	افغانی، جمال الدین	۳۵	ابن عربی
۵۹	افلاطون	۳۸	ابن کمونه
۶۰	اقبال، محمد	۳۹	ابن مَسْرَه
۶۴	انسان‌گرایی (اومانیزم)	۴۱	ابن میمون
۶۵	ایمان، باور	۴۳	اجتهاد
۶۶	باطن‌گرایان (باطنیه)	۴۳	اخلاق

۱۰۸	سعدیا، گائون	۶۷	بیرونی، ابوریحان
۱۰۹	سقراط	۶۸	تأویل
۱۱۰	سنت‌گرایی	۶۹	تصوف
۱۱۱	سنی‌ها	۷۰	تقلید
۱۱۱	سهروردی، شهاب‌الدین	۷۱	توحیدی، ابوحیان
۱۱۴	شاه ولی‌الله (دهلوی)	۷۲	جبر و اختیار
۱۱۶	شیرک	۷۴	جبرگرایان
۱۱۶	شریعت	۷۵	جُونینی، ابوالمعالی
۱۱۷	شناخت‌شناسی	۷۶	حدوث یا قَدَم جهان
۱۱۸	شهرزوری، شمس‌الدین	۷۷	حَشَوِیان
۱۱۹	شهرستانی، ابوالفتح	۷۷	الحکمة المشرقیة
۱۲۰	شیرازی، قطب‌الدین	۷۹	حنبلیان
۱۲۱	شیعه دوازده‌امامی	۸۱	خارجیان (خوارج)
۱۲۲	شیمیان (شیعه)	۸۱	خدا (الله)
۱۲۳	صُدْفه‌گرایی	۸۴	خدا، استدلال بر وجود او
۱۲۴	طوسی، نصیرالدین	۸۶	خدا، صفات انسان‌نگارانه او
۱۲۶	ظاهریان (ظاهرگرایان)	۸۷	خدا، صفات او
۱۲۶	عامری، ابوالحسن	۸۹	خدا، علم او
۱۲۷	عبده، محمد	۹۰	خدا، وانمود کردن به او
۱۲۸	عرفان	۹۱	خدا، یکتایی او (توحید)
۱۲۹	عَلَّت؛ عَلَّت	۹۲	خِرَد کنش‌گر (عقل فعال)
۱۳۰	غزالی، ابوحامد	۹۳	خِرَدگرایی
۱۳۲	فارابی، ابونصر	۹۴	دانش (علم)
۱۳۴	فلسفه	۹۶	دوانی، جلال‌الدین
۱۳۶	فلسفه سیاسی	۹۷	رازی، ابوبکر محمد بن زکریا
۱۳۷	فلسفه معاصر اسلامی	۹۹	رازی، فخرالدین
۱۳۹	قَدْریان	۱۰۱	زبان
۱۴۰	قرآن	۱۰۳	زیبایی‌شناسی
۱۴۲	کرمانی، حمیدالدین	۱۰۴	زندگی پس از مرگ
۱۴۴	کلام (علم الکلام)	۱۰۵	سبزواری، ملاهادی
۱۴۵	کندی، ابویوسف	۱۰۵	سجستانی، ابوسلیمان
۱۴۶	لوی بن گرسون	۱۰۶	سجستانی، ابویعقوب

فهرست مطالب ۷

۱۶۸	ناصر خسرو	۱۴۸	متافیزیک (ما بعد الطبیعة: الهیات)
۱۶۹	نبوت (پیامبری)	۱۵۲	مرجشیان (مرجئه)
۱۷۰	نصر، سیدحسین	۱۵۳	مِسکویه، احمد بن محمد
۱۷۱	نوافلاطونی‌گرایی	۱۵۴	معتزلیان (معتزله)
۱۷۲	وجود و ماهیت	۱۵۵	معرفة النفس (روان‌شناسی)
۱۷۴	هلوی، یهودا	۱۵۹	ملاصدرا
۱۷۵	همگونی (تشبیه)	۱۶۳	منطق
		۱۶۶	میرداماد

*

۱۷۷	کتابنامه
-----	----------

یادداشت مترجم

کتاب حاضر یکی از چند کتاب فلسفی فشرده‌ای است که در دانشگاه ادینبرگ تألیف شده و الیور لیمن، استاد فلسفه دین دانشگاه کنتاکی، سروراستاری این مجموعه را برعهده داشته است. این مجموعه، مرجعی است برای آشنایی با انواع فلسفه‌های سنتی و معاصر، از جمله فلسفه‌های دینی (یهودیت، مسیحیت و اسلام)، فلسفه‌های شرقی (هندی، چینی) و فلسفه‌های معاصر (شناخت‌شناسی، اخلاق، زبان، ذهن، دین، علم، هنر، فمینیسم و سیاست). در این مجموعه که به قلم استادانی کارکشته تدوین شده، مفاهیم محوری و شخصیت‌های کلیدی در هر فلسفه به‌طور خلاصه معرفی می‌شوند و لبّ نظریات بیان می‌گردند.

برخی از ویژگی‌های این کتابها به قرار زیر است:

- در بر داشتن موضوعات ویژه مربوط به هر فلسفه؛
- در بر داشتن اصطلاحات اصلی و شخصیت‌های مهم؛
- ارجاع به اصطلاحات مرتبط با بحث در سرتاسر کتاب.

کتاب *فلسفه اسلامی* که به قلم پیتر گراف تألیف شده، بیش از یکصد و ده مدخل کوتاه است که به‌صورت الفبایی تنظیم شده‌اند. تلاش نویسنده بر آن بوده است که همه آنچه را به فلسفه اسلامی ارتباط دارد، از آغاز تا دوران معاصر، به‌اجمال و روشنی بیان نماید: شخصیت‌های کلیدی، مدارس، مفاهیم، موضوعات و مسائل. در سراسر کتاب، نظرات متفکران مشائی، اسماعیلیان، اهل تصوف، اشراقیان، متکلمان و اندیشمندان متأخر و معاصر بیان شده و نیز مداخلی پیرامون تأثیرات فلسفه یونان و فیلسوفان یهودی‌ای که در جهان اسلام

می‌زیسته‌اند در کتاب گنجانده شده است. موضوعات، مسائل و آرای گوناگونی که در سرتاسر کتاب پراکنده‌اند، بیان می‌کنند که چرا مسائل مهم فلسفه اسلامی در محور مباحث عقلی بوده‌اند و هنوز چنین می‌نمایند. بنابراین، کتاب حاضر نمایی کلی و نسبتاً جامع از مباحث گوناگون در فلسفه اسلامی ارائه می‌کند؛ به‌گونه‌ای که اگر مداخل به ترتیب تاریخی خوانده شوند، طرح فشرده کاملی از تاریخ فلسفه اسلامی نمایان می‌گردد.

مؤلف چنانکه خود در پیش‌گفتار کتاب اشاره کرده است، همچون برخی از خاورشناسان و محققان غربی، نقش فلسفی مسلمانان را تنها انتقال فلسفه یونان در دورانی از تاریخ فلسفه نمی‌داند. او با نگاهی بیرون از جهان اسلام، تلاش می‌کند مباحث پیچیده فلسفی را به زبانی روشن و امروزی به نمایش بگذارد. گراف در کنار مباحث یکسره فلسفی همچون وجود و ماهیت یا علّیت، به دیگر شاخه‌های علوم اسلامی همانند کلام، زبان‌شناسی، فقه و حتی قرآن و حدیث بسیار توجه دارد و می‌کوشد نشان دهد که آرای متفکران در هر رشته چگونه بر آرای فلاسفه و دیگر اندیشمندان تأثیر نهاده است. در واقع، نویسنده به‌درستی نشان می‌دهد که اختلاف متفکران مسلمان عمدتاً بر سر فهمی بود که از قرآن و حدیث به‌دست می‌آوردند. فلاسفه اغلب می‌کوشیدند برداشت‌های قرآنی خود را با آرایایی که از فلسفه یونان دریافت کرده بودند جمع نمایند، گرچه گاه متون دینی را به سود آرای فلسفی تفسیر می‌کردند یا در موارد اندکی عقل را بر وحی برتر می‌نشانند و بنابراین به‌راحتی از سوی سنت‌گرایان کافر و «زندیق» لقب می‌گرفتند. افزون بر این، گراف مطالعه خود را به دانشوران مسلمان محدود نمی‌کند و به آرای متفکران یهودی و مسیحی در جامعه اسلامی نیز می‌پردازد و تأثیراتی را که آنها از این فضای فکری شگفت‌انگیز پذیرفته‌اند آشکار می‌سازد.

این کتاب می‌تواند یک منبع مستقل باشد برای هر آنکه می‌خواهد فهمی از مباحث درهم‌تنیده این سنت فکری جذاب به دست بیاورد. پیترا س. گراف، دانشیار رشته فلسفه در دانشگاه بوکنل پنسیلوانیا در ایالات متحده آمریکا است. مترجم گاهی برای روشن‌تر شدن مباحث، توضیحاتی بر متن افزوده است: افزوده‌ها در متن با نشانه [] نشان داده شده‌اند و توضیحاتی که در پانویس‌ها آمده‌اند همه افزوده مترجم است. از انتشارات مولی، به‌ویژه جناب آقای مهندس مفید، برای همکاری صمیمانه در نشر این کتاب سپاسگزاری می‌کنم. و قدردان همسر عزیزم، الهه روح‌الهی، هستم که علاقه‌ام به فلسفه را او معنا بخشید.

مقدمه سروراستار

فلسفه اسلامی همچون همه فلسفه‌هایی است که با یک دین پیوند دارند، یعنی دربردارنده عناصر مختلف و نیاز به فهمی از دین است، به همان اندازه که نیازمند عناصر و فهم فلسفی است. پیتر گراف در این کتاب درباره اسلام و به‌ویژه طیفی از مسائل نظری که در این دین مطرح شده، به فراوانی توضیح می‌دهد. بسیاری از این مسائل بیشتر الهیاتی/کلامی هستند تا فلسفی، یا می‌توان درباره آنها چنین اندیشید، اما تمایز برقرار کردن بین آنها در فلسفه اسلامی کمابیش تصنعی است. بسیاری از مباحث کلامی، ریشه در مفاهیم عمیق فلسفی دارند یا در واقع، تداوم‌یافته مفاهیم فلسفی‌اند. در گذر زمان در بسیاری از مناطق جهان اسلام، حملاتی بر فلسفه صورت گرفته و بنابراین در هیأت کلام به عقب نشسته است، چنانکه بود. این مسئله برای کسانی که برای نخستین بار به این موضوع روی می‌آورند اهمیت دارد و به آنها کمک می‌کند تا بتوانند پیوندهای محکم بین فلسفه اسلامی و خود اسلام را در نظر داشته باشند. این کتاب برای کسانی طراحی شده است که برای نخستین بار هم به دین و هم به فلسفه بر می‌خورند و مداخل به گونه‌ای با یکدیگر و با خوانش‌های بین‌سطور پیوند خورده‌اند که خوانندگان بتوانند فهم خود را از آنچه اینجا می‌یابند افزایش دهند. در این کتاب، اصطلاحات عربی به دقت توضیح داده می‌شوند و این برای آشنایی با بستری که فلسفه اسلامی در آن شکفته و گسترش یافته اهمیت دارد. اما این خطاست که فلسفه اسلامی را بیگانه تصور کنیم. خوانندگان آشنا با فلسفه عموماً بسیاری از مسائل مورد بحث در اینجا را آشنا خواهند یافت و خوانندگان آگاه به اسلام نیز خواهند دید که دین چگونه به‌طور کاملاً طبیعی می‌تواند مسائل فلسفی را مطرح سازد و به حل و فصل آنها پردازد. خوانندگانی هم که با هیچ‌یک آشنا نیستند، علاقه‌مند خواهند بود که دریابند فلسفه اسلامی کدام ساختار دلفریب از اندیشه نظری را به نمایش می‌گذارد.

پیشگفتار

این کتاب سلسله‌ای بلند از نقد و انتقاداتی را که بر سنت غنی فلسفه اسلامی فرود آمده است، به نمایش می‌گذارد. کسانی که با این سنت آشنا نیستند، از قدیم تأثیر ژرف آن را بر اندیشه مسیحی و یهودی قرون میانه تصدیق کرده‌اند و همچنین نقش سرنوشت‌سازی که فلاسفه اسلامی در حفظ و نگهداری و انتقال میراث فکری کلاسیک یونان به اروپا بازی کرده‌اند. این تصویر هم‌چنانکه درست است، ناتمام است، زیرا ارزش ذاتی فلسفه اسلامی را نادیده می‌گیرد. بسیار ضروری است با سنتی که خودش بالیده و شکوفا شده، صرفاً نه از نقطه نظر منافع اروپایی، بلکه براساس معیارهای خود آن وارد گفتگو شویم.

سنت فلسفه اسلامی به‌طور قابل توجهی متنوع است. جدای از یکپارچگی یا همگنی ذاتی آن، دربردارنده طیفی وسیع از نظرات و رهیافت‌هاست و تاریخی سرزنده و بانشاط از مجادلات با آن همراهی می‌کند. ما در این کتاب کوشیده‌ایم از روشهای فراوان و متفاوتی که فلسفه به یاری آنها خود را در بافت اسلامی نمایانده [گفتگو کنیم] و جانب انصاف را رعایت نماییم. خواننده کتاب مداخلی درباره اندیشمندان متأثر از فلسفه مشاء و نظرات مهم آنها، مدارس گوناگون کلامی، اسماعیلیان، اهل تصوف، اشراقیون و تکاملات ترکیبی متأخر از جمله مدرسه اصفهان و نیز برخی از متفکران معاصر خواهد یافت. همچنین تعداد اندکی از فیلسوفان یهودی و مسیحی را که آثار آنها عمیقاً از سنت فکری اسلام تأثیر پذیرفته و در برخی موارد به طرز چشمگیری در این سنت سهیم شده است در کتاب جای داده‌ایم. سرانجام سعی شده است برخی از دلایل نقد سنت‌گرایان بر فلسفه را برشمردیم، که تا حدود زیادی پیچیده و قوی می‌نماید و برای فهمی مناسب از جایگاه نسبی فلسفه در حیات فکری اسلام ضروری است.

این مهم است که نفوذ فلسفه و دین را در سنت اسلامی بپذیریم، حقیقتی که چه بسا در برخورد اول برای دانشجوی فلسفه معاصر گیج‌کننده باشد. ما معاصران اغلب فرض می‌کنیم این دو رهیافت برای تشخیص خوبی و درستی، سرشت بسیار متفاوتی دارند و با یکدیگر در تعارض‌اند؛ اما این تصور کمابیش یک تحوّل فکری متأخر بوده و از نظر فرهنگی نیز ویژه است. در عین حال، این نیز نادرست خواهد بود که فلسفه اسلامی را یکسان با اسلام و یا به نوعی تحویل‌پذیر به آن بدانیم. فلسفه اسلامی هیچ سرشت منحصریفرود «اسلامی» ندارد. بی‌تکلف، آن را می‌توان فلسفه‌ای دانست که در بافتی پدید آمد که عمدتاً ابعاد دینی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی اسلام بر آن سایه افکنده بود. به تعبیر دقیق کلمه، پیش‌فرضها و نتایج آن می‌تواند اسلامی باشد یا نباشد. حتی وقتی فلسفه با انعکاس حقایق و حیاتیات اسلام آغاز می‌شود، آشکارا می‌تواند در راه‌های متفاوتی حرکت کند؛ گاه این بینش‌ها را حفظ کرده، از آنها دفاع و بیان‌شان می‌کند؛ گاه آنها را بر می‌گیرد، اما از بنیاد تفسیر دیگری از آنها ارائه می‌دهد؛ و گاه آنها را یکسره ردّ می‌کند.

بنابراین، با اذعان به اینکه روشهای فلسفه و دین در سنت اسلامی به هم تنیده‌اند، در این کتاب تلاش خواهیم کرد بر اولی بیشتر از دومی تأکید کنیم، فقط هنگامی به کاوش در کلام، تصوّف و علوم سنتی خواهیم پرداخت که پیوند نسبتاً سختی با دغدغه‌های فلسفی داشته باشند. افزون بر این به دلیل اهداف زیر در تألیف مداخل در مجموع بلندنویسی را بر فشرده‌گویی برگزیده‌ایم: (۱) آشکار کردن سؤالات، مجادلات و فرضیاتی که به ادعاهای اصلی پر و بال داده‌اند، (۲) پی بردن به حدّی از مبنای منطقی یا نیروی استدلالی نهفته در ورای آنها، (۳) نشان دادن آنچه به لحاظ فلسفی در معرض خطر است، (۴) بیان بخشی از احساس دل‌بستگی جهانی و همیشگی به آنها.

چنین رهیافتی، که ضرورتاً با محدودیت قلمرو یک کتاب مرجع مقدماتی کوتاه مانند این همراه شده، نیازمند آن بوده است که از برخی شخصیت‌ها و مفاهیم چشم‌پوشیم. با توجه به الزامات ذاتی کار، برگزین‌های ما درباره آنچه در کتاب جای گرفته، با نگاهی به دانشجویان یا نوآمدان بوده است نه متخصصان. اگر این کتاب به چنین خوانندگانی در آشنایی با مفاهیم اساسی و منابع سنت فلسفی اسلام یاری رساند - و شاید حتی آنها را به یادگیری بیشتر درباره آن ترغیب کند - کتاب در وظیفه فروتنانه خود به کامیابی رسیده است.

سپاسگزاری

باید از الیور لیمن برای بردباری و دلگرمی‌هایش و برای عقلانیت حکیمانه و همکاری سخاوتمندانه‌اش در نگارش این کتاب تشکر کنم. او در گام‌های پایانی گره از دشواری کار گشود، با تألیف مداخل مرتبط با موضوعات زیر: زیبایی‌شناسی، زندگی پس از مرگ، حدوث یا قدم جهان، شناخت‌شناسی، وجود و ماهیت، اشراق‌گرایی، نصر (سیدحسین)، فلسفه سیاسی، نبوت، علم و تصوف. مداخل مربوط به اسلام‌گرایی نیز نتیجه کوششی مشترک است. بدیهی است که مسؤلیت همه مداخل و هر خطا یا افتادگی احتمالی در کتاب، با من خواهد بود. مایلم از دیگر اطرافیانم نیز قدردانی نمایم: همکارانم در گروه فلسفه بوکتل، همچنین مخاطبان فلسفی از گروه‌ها و سازمان‌های دیگر، استادان گذشته‌ام و شاگردانم، همه کسانی که مرا در مسیر اندیشه و رشد و تکامل یاری رسانده‌اند. سپاسگزار ویژه عبدالرحمن سید و کلی کین هستم، که سخاوتمندانه همه دست‌نویس را خواندند و پیشنهادات متفکرانه بسیاری درباره ترجمه و حرف‌نگاری مطرح کردند؛ و لوری سیلورز، که مشورت‌های سودمند فراوانی در طی این راه ارائه نمود. سرانجام باید از خانواده و دوستانم برای صبر و حمایت‌های همراه با خوش‌خلقی تشکر کنم و به‌ویژه دلبندم والری، که در قلب من جای دارد، هر جا که باشد در پنسیلوانیا، سوئیس یا بلژیک.

مداخل

ابداع (پدیدارسازی): نک، اسماعیلیه.

ابن باجه، ابوبکر الصائغ؛ **Ibn Bajja**, Abu Bakr al-Sa'igh (د. ۱۱۳۸/۵۳۳): ابن باجه (نام لاتین: اومپیس^۱) دانشمندی جامع الاطراف: فیزیک‌دان، پزشک، موسیقی‌دان، شاعر، وزیر و نیز نخستین فیلسوف بزرگ اندلسی در غرب جهان اسلام. گرچه دستاورد فلسفی ابن باجه بسیار کم‌بارتر از فارابی، ابن سینا یا ابن رشد است (درگیری با امور دنیوی و مرگ زودهنگام، بازدهی او را در این زمینه محدود کرد) اما بنا بر سنت، او در ردیف این غول‌های فلسفه اسلامی قرار می‌گیرد. تألیفات مهم فلسفی او عبارتند از *نامه‌ای درباره پیوند عقل با انسان* (رسالة اتصال العقل بالانسان)، *چاره تنهامانده* (تدبیر المتوحّد) و *نامه بدرود* (رسالة الوداع). در قلب تفکر ابن باجه، ایده پیوند (اتصال) قرار دارد، یعنی یگانگی نفس با عقل فعال و از طریق آن، نوعی ارتباط عقلی با ساحت الهی. پیوند با ژرف‌ترین جنبه حقیقی و جاودانه پدیده‌ها نه برای عوام‌الناس جاهل میسر است و نه حتی برای صوفیان (که ماهیت تجربیات عرفانی را بد می‌فهمند)، بلکه فقط فیلسوفان هستند که به کمک عقل خود معنای صحیح علم را به دست می‌آورند: گونه‌هایی از علم معنوی، جاودان، جامع و معقول. در این عملکرد علم، روح‌های فیلسوفان دانا همچون موضوع شناسایی آنها، فناپذیر و جاودانه و همچنین همه با هم یکی می‌شوند، زیرا همگی معقولات یکسانی را فهم می‌کنند (ابن باجه بر نوعی تک‌روانی^۲ صحّه می‌گذارد). اما مهم‌تر از همه، آنها به وسیله این دانش به گوهر عقل

1. Avempace.

۲. monopsychism: عقیده به اینکه همه ارواح یا جانها یکی است.

خود فعلیت می‌بخشند و آن را کامل می‌کنند، که در نتیجه به قله زندگی سر می‌کشند و سعادت را در می‌یابند. بدین ترتیب، ما با جنبه عملی اندیشه ابن باجه روبرو می‌شویم.

او همچون فیلسوف پیش‌کسوت خود، فارابی، با افلاطون موافق بود که نقش شایسته فیلسوف تنها تفکر نظری در اصول نخستین نیست، بلکه اداره بخردانه آرمان‌شهر (مدینه فاضله) نیز برعهده اوست. هرچند، بجای تمرکز بر آرمان ظاهراً نامفهوم فیلسوف-شاه، ابن باجه بر این حقیقت تلخ دست گذاشت که فقط تعداد اندکی از شهرها واقعاً فضیلت‌مآب هستند، اگر نگوییم هیچ شهری چنین نیست؛ و اینکه سوگمندانه فیلسوف اغلب اوقات یک شخصیت حاشیه‌ای و محروم از اداره جامعه است. بنابراین، او تنهایی و کناره‌گیری از زندگی را برای فیلسوفان ترجیح می‌داد، تا گرفتار فساد، جهل و رذیلت شهرهایی که در آن زندگی می‌کنند نشوند. عجیب آنکه ابن باجه در توصیف این دانایان به ظاهر خوشبخت و بی‌نیاز از دیگران، اصطلاحی را بر می‌گزیند که فارابی آن را برای انسان‌های شرور اصلاح‌ناپذیر در شهرهای سالم اندوخته بود: «علف‌های هرز».

نک، عقل فعال؛ فارابی؛ فلسفه؛ فلسفه سیاسی؛ معرفه‌النفس.

مطالعه بیشتر: ابن باجه ۱۹۶۳؛ لیمن ۱۹۸۵/۲۰۰۲؛ روزنتال ۱۹۵۸/۱۹۸۵.

ابن تیمیه، تقی الدین؛ *Ibn Taymiyya, Taqi al-Din* (۱۳۲۸-۱۲۶۳/۷۲۸-۶۶۱): شاید ابن تیمیه مهم‌ترین و مؤثرترین مبلغ مدرسه فقهی و کلامی حنابله باشد، که در مقابل جبهه‌ای چندجانبه از انتقادات پیچیده عقلی، از رهیافت ظاهری به قرآن و سنت دفاع می‌کرد. ابن تیمیه پس از طی یک دوره آموزشی بلندپروازانه نامعمول و همه‌جانبه که شامل فلسفه و کلام در کنار تفسیر قرآن، حدیث و فقه می‌شد، یک سیر تعلیمی رسمی در پیش گرفت. اما او در زندگی مکرراً دچار بلایا و شوربختی بود. همچون ابن حنبل، بنیانگذار این مدرسه، ابن تیمیه نیز به خاطر مواضع سنتی متعصبانه‌اش آزار دید و به زندان افتاد و سرانجام پس از آنکه به‌کلی از نوشتن منع شد، در شصت و پنج سالگی در حبس از دنیا رفت.

گفته می‌شود که او در اغلب دوران زندگی جنجالی‌اش به تألیف صدها اثر پرداخت، که بیشتر آنها صورت انتقادی و ردیه دارد. ابن تیمیه بر کلام فلسفی اشعریان متأخر حمله برد (که به نوبه خود به انسان‌نگاری/تشبیه خدا به انسان متهم شد) و نیز صوفیان وحدت

وجودی و اباحه‌گرایان،^۱ برجسته‌ترین آنها ابن عربی، را مورد انتقاد قرار داد (گرچه باید گفت که ابن تیمیه خود یک صوفی از فرقه قادریه، پدیدآمده به دست عبدالقادر گیلانی بود). او همچنین منتقد جبرگرایان، قدریه، جهمییه، معتزله، شیعه و فیلسوفان مشاء بود. او علیه مشائیان چند اثر انتقادی ویرانگر نوشت، مهم‌ترین آنها کتاب *الردّ علی المنطقیین* است که یکی از نیرومندترین و جاه‌طلبانه‌ترین حملات بر منطق ارسطویی به شمار می‌رود. او بر ساز و برگ منطقی فیلسوفان یورش برد زیرا اعتقاد داشت که این منبع اصلی نظریات آنها درباره سرشت خدا، جهان و وحی نبوی است - نظریات نادرستی که او آنها را در تضاد آشکار با کتاب و سنت می‌دانست. انتقادات او اساسی‌ترین فرضیات منطق ارسطویی را نشانه می‌رود تا ساختمان متافیزیکی فیلسوفان را یکجا فرو ریزد. او خصوصاً بر نظریه تعریف (حدّ) و قیاس منطقی/حَمَلی (شمولی: *القیاس الشّمولی*) تمرکز کرد.

نظریه حدّ به این معناست که بین ذات یک چیز و عوارض آن از جهت ثبوت، پایداری و تشکیک/تواطی تمایز وجود دارد، اما ابن تیمیه معتقد است که هر تلاشی برای چنین تمایزی با ناسازگاری‌های تفسیری غیرقابل حلّی روبروست. توسعاً، ابن تیمیه تفاوت اساسی بین وجود و ماهیت و نظریه واقع‌گرایانه فیلسوفان درباره کلیات را سست می‌کند. از نظر وی، کلیات عقلی طبیعت را آسان‌تر تحلیل نمی‌کنند؛ آنها صرفاً به‌عنوان انتزاعاتی در ذهن وجود دارند، نه اینکه در جهان خارج باشند. همین را می‌توان برای مفهوم پر و بال‌یافته «واجب الوجود» که [از نظر ابن تیمیه] فیلسوفان بیهوده آن را جایگزین خدای خودموصوف قرآن کرده‌اند نیز گفت.

ابن تیمیه معتقد است که فیلسوفان لاف زده‌اند که قیاس منطقی، معرفت ضروری و استدلالی به دست می‌دهد. از دیدگاه او، نمی‌توان به برخی از زیربنایی‌ترین لوازم و قیودی که خود ارسطو شرط کرده پایبند بود، یعنی در قیاس حتماً باید نه کمتر و نه بیشتر از دو مقدمه [مهاد و کهاد/کبری و صغری] و یک نتیجه داشته باشیم، که یکی از مقدمات باید کلتی باشد؛ و اینکه معرفت جدید از معرفت قدیم به دست می‌آید. از دیدگاه ابن تیمیه، لازم نیست تعداد مقدمات لازم برای قیاس ثابت باشد، زیرا این در اصل به موقعیت و مقتضیات شناخت‌شناسانه هر شخص بستگی دارد (برای نمونه، نک: اعتبار استدلال نهفته و

۱. *antinomian*: کسی که معتقد است مسیحیان برگزیدگان خداوند هستند، تابع قوانین بشری نبوده و نیازی به رعایت اصول اخلاقی ندارند.